

ریش های جبری زیباتر از بروت های آویزان

محمدشاه فرهود

در زیر بروت

دیکتاتور و دکلماتور میرقصد

در پهناک ریش

سماعی سترون برپاست

بروت را در زیر شاخهٔ زیتون ریختی

تا عشق نروید

ریش را

بر ریشهٔ نارنج آویختم

تا تشویش بروید

بروت ارزش اضافی ست

که در یک خوشه ریش به انباشت میرسد

ریش و بروت، برادری را در گلاژ سی و سه سالگی عُنق میزنند

بروت با قهقههٔ آویزان

بروی شک و ریشک می خندد

رُخی لشم

زنخی پُر پشم

خمیده را قیل می کند

ریش را سبیل می کند

یک کرگدن صدای مرا فیل می کند

یک قطره خون جهیل مرا نیل می کند